

پرسش ۷۳: معنی شناخت و معرفت در آیهی (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ...) (پرسش ۷۳: معنی شناخت و معرفت در آیهی (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ...))

سؤال / ۷۳: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) ([154])، ورد في الرواية عن أهل البيت (عليه السلام) أي يعرفون ([155])، فما المراد بهذه المعرفة، وكيف تتم؟

(جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام). ([156]) در روایتی از اهل بیت (علیه السلام) وارد شده است که یعنی (لِيَعْرِفُونَ) ([157]) (تا مرا بشناسند). مراد از این معرفت و شناخت چیست و چگونه کامل می‌شود؟

الجواب: المعرفة أي معرفة الله سبحانه وتعالى، وتتم هذه المعرفة من خلال العبودية، فبالعبودية يعرجون إلى الربوبية، وبالربوبية يعرفون الربوبية.

پاسخ: (معرفت و شناخت) یعنی شناخت خداوند سبحان و متعال، و این معرفت از طریق عبودیت به کمال می‌رسد؛ با عبودیت، به ربوبیت عروج می‌کنند و با ربوبیت، ربوبیت را می‌شناسند.

فكيف تعرف النار إلا أن تكون أنت ناراً، فلا يعرف العبد بالعبودية الربوبية، إلا أن يكون رباً، أي أن يكون وجه الله سبحانه وتعالى، فالربوبية لا تُعرف بالعبودية، إنما حصيلة العبودية هي معرفة الربوبية.

چطور می‌توانی آتش را بشناسی؟ جز اینکه خود، آتش شوی؟! به همین ترتیب، بنده نمی‌تواند از طریق عبودیت، ربوبیت را بشناسد مگر این که خود، رب (پروردگار) شود؛ یعنی وجه خداوند سبحان و متعال گردد. بنابراین ربوبیت از طریق عبودیت شناخته نمی‌شود بلکه نتیجه‌ی عبودیت، معرفت و شناخت ربوبیت می‌باشد.



[154]- الذاریات : 56.

[155]- عن الصادق (علیه السلام) قال: (خرج الحسين بن علي عليهما السلام على أصحابه فقال: أيها الناس إن الله جل ذكره ما خلق العباد إلا ليعرفوه فإذا عرفوه عبده وإذا عبده استغنوا بعبادته عن عبادة من سواه، فقال له رجل: يا بن رسول الله بأبي أنت وأمي فما معرفة الله؟ قال: معرفة أهل كل زمان إمامهم الذي تجب عليهم طاعته) علل الشرائع: ج 1 ص 9.

[156]- ذاریات: 56.

[157]- از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: (حسین بن علی (علیهما السلام) به یارانش فرمود: ای مردم! به راستی خداوند متعال مردم را نیافرید مگر برا اینکه او را بشناسند. پس هر گاه او را بشناسند، عبادتش کنند و آنگاه که عبادتش کردند از عبادت غیر او بی نیاز می گردند. مردی گفت: ای فرزند پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای شما! شناخت خدا چگونه است؟ حضرت فرمود: شناخت خدا به این است که مردم هر عصری امام واجب الطاعه‌ی خود را بشناسند). علل الشرائع: ج 1 ص 9.